

روزنوشت‌ها فروغی

محمد حسن نیا

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران



یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی

به کوشش: ایرج افشار

تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸،

۴۹۰ صفحه

یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی، مربوط به شش ماه از زندگی اوست که دوره‌ی زمانی قبل از مشروطیت را در بر می‌گیرد و از ۲۶ شوال ۱۳۲۱ ق. آغاز شده و در ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۲ ق. پایان پذیرفته است. در آن زمان، فروغی تقریباً ۲۶ ساله بوده است. از لابه‌لای این یادداشت‌ها می‌توان دانسته‌های بسیاری در مورد زندگی خانوادگی فروغی‌ها، اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ایران و به ویژه پایتخت (تهران) قبل از انقلاب مشروطیت، حیات فرهنگی جامعه‌ی ایرانی و میزان حشر و نشر فروغی با علما و رجال، به ویژه محمد قزوینی استخراج کرد. قبل از این که به بررسی کتاب بپردازیم، بد نیست به اجمال، مروری بر زندگی نویسنده‌ی یادداشت‌ها (محمدعلی فروغی) داشته باشیم.

محمدعلی فروغی در سال ۱۲۹۴ ق. متولد شد. پدرش، محمدحسین فروغی (ذکاءالملک) از ادیبان و مترجمان دوره‌ی قاجار بود. محمدعلی پس از مرگ پدر، لقب ذکاءالملک یافت. تحصیلات خود را در رشته‌ی پزشکی در دارالفنون شروع کرد ولی بعد به ادبیات و فلسفه روی آورد. در بهمن ۱۲۷۴ وارد خدمت دولت شد. علاوه بر معلمی در مدرسه‌ی علمیه و سیاسی، مترجم زبان‌های فرانسه و انگلیسی در دارالترجمه‌ی دولتی بود. بعد از فوت پدر، به مدیریت مدرسه‌ی سیاسی رسید. در دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی، به نمایندگی تهران و چندی بعد، به ریاست مجلس انتخاب شد. چند بار وزیر شد، از جمله وزیر امور خارجه و وزیر عدلیه. در یک دوره نیز به ریاست دیوان عالی تمیز (دیوان کشور) برگزیده شد. در سال ۱۳۰۴ پس از تصویب انقراض دودمان قاجار، کفیل نخست‌وزیری شد و با شروع سلطنت پهلوی، اولین نخست‌وزیر رضاشاه لقب گرفت. او در سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ نیز نخست‌وزیر بود و در دوره‌ی اخیر، به سبب وساطت از نایب‌التولیه‌ی آستان قدس رضوی، مغضوب و مستعفی شد. با اشغال ایران توسط متفقین در سوم شهریور ۱۳۲۰، بار دیگر نخست‌وزیر شد و در دوره‌ی او بود که انتقال قدرت از رضاشاه به پسرش صورت گرفت.

برخی از تألیفات محمدعلی فروغی عبارتند از: تاریخ مختصر ایران، تاریخ مختصر دولت قدیم روم، اصول علم ثروت ملل، حکمت سقراط و افلاطون، سیر حکمت در اروپا؛ و تصحیح کتاب‌هایی چون کلیات سعدی، رباعیات خیام، مواعظ سعدی و خلاصه‌ی شاهنامه. (مصاحب، دایره‌المعارف فارسی، ج ۲، ۱۳۵۶، ص ۱۸۸۷)

یادداشت‌های کتاب مورد بررسی مربوط به دوره‌ای است که فروغی هیچ پست

فروغی نسبت به برادر خود، میرزا ابوالحسن خان که مردی فرهنگی و زبان‌دان و علاقه‌مند به مباحث فلسفی بود، همیشه محبت داشته است و همیشه در کنار همدیگر بوده‌اند

که هم به کارهای تحریری روزنامه‌ی تربیت که در سال ۱۳۱۷ توسط پدرش بنیاد گذاشته شده بود، مشغول بود و هم در مدرسه‌های علمیه، مظفریه، خرد و علوم سیاسی که پدرش در آن‌جا مدیریت داشت، تدریس می‌کرد. تمامی یادداشت‌ها مربوط به یک دوره‌ی زمانی ۱۵۱ روزه است. این نوشته‌ها در روزهای نخستین پرمطلب‌تر و در روزهای پایانی، به خاطر مریضی همسر و دو خواهر نویسنده، به اختصار می‌گراید. (افشار، ۱۳۸۸، ص ۳)

مؤلف سپس به کنکاش در این یادداشت‌ها پرداخته و مواردی را که نمود بیش‌تری دارد بازگو می‌کند، از جمله‌ی این موارد احترام حکیمانه‌ی فروغی نسبت به پدرش است. بحث در مورد خویشان و برادر و خود فروغی، از دیگر مباحث مربوط به این یادداشت‌هاست. مؤلف از جمله اشاره می‌کند که فروغی نسبت به برادر خود، میرزا ابوالحسن خان که مردی فرهنگی و زبان‌دان و علاقه‌مند به مباحث فلسفی بود، همیشه محبت داشته است و همیشه در کنار همدیگر بوده‌اند. در مورد خود فروغی نیز مؤلف آورده است که از طریق این یادداشت‌ها، مدرسه‌هایی که فروغی برای تدریس می‌رفته و جاهایی که سر می‌زده، و نوع وسیله‌ای را که برای رفت‌وآمد از آن‌ها استفاده می‌کرده به خوبی می‌شناسیم. (همان، صص ۵ و ۴)

افکار اجتماعی فروغی از دیگر مباحث کتاب است که مؤلف به آن پرداخته است. فروغی در زمینه‌ی سیاسی و فکری به تحول اجتماعی معتقد بود و خرافات را نمی‌پسندید. او دربار مظفرالدین شاه را فاسد می‌دانست و مواردی از فسق و فجور و حرکات ناشایست و رکیک درباریان او را گوشزد کرده است. نسبت به ولیعهد (محمدعلی میرزا) هم بدبین بود. در مجموع به قاجارها نگاه خوبی نداشت و جامعه را دارای مردمان بیدار و هشیار نمی‌دانست. (همان، صص ۵ و ۶)

ذوق هنری و موسیقی فروغی از دیگر موارد مطرح شده در سرآورد است. مؤلف عنوان می‌کند: «من آگاه بودم که فروغی از عنفوان جوانی به نقاشی علاقه‌مندی داشت و در سال ۱۳۴۹ که مراسمی در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه به منظور معرفی او برگزار شد، مهندس محسن فروغی عکس دو قطعه از نقاشی‌های او را از دوره‌ی جوانی خود لطف کرد و در مجله‌ی راهنمای کتاب به چاپ رسید.» فروغی همچنین از آواز خوش لذت می‌برد و حتی تفنناً به آقا شیخ‌حسن کتابفروش تعلیم تار و سه‌تار می‌داد. به هنگام مباحثه‌ای با نظام‌العلوم، در مخالفت با نظر او که موسیقی فرنگی را بر نوازندگی ایرانی ترجیح می‌داد، گفته بود: «موسیقی ایرانی هم برای تکمیل مستعد است و می‌توان آن را به مقامات عالیه رسانید.» (همان، ص ۷)

مؤلف، در مورد نگرش فروغی نسبت به تمدن غربی و فرنگی‌مآبی عنوان

و سمتی نداشته است. با وجود این، این یادداشت‌ها، از جمله منابع دست اول تاریخی در مورد تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران مربوط به سال‌های نزدیک به مشروطه است.

کتاب حاضر شامل سرآورد (مقدمه)، یادداشت‌های روزانه‌ی محمدعلی فروغی، پیوست، فهرست‌ها، و مقدمه‌ی لاتین است. ایرج افشار در سرآورد، ضمن تشکر از دکتر حسن ره‌آورد که این نسخه را به کتابخانه‌ی مجلس اهدا کرده، عنوان می‌کند که با خواندن پنجاه صفحه از یادداشت‌ها، متوجه کیفیت این اوراق در مورد زندگی خانوادگی فروغی، شناخت روحیات علامه محمد قزوینی در دوره‌ی جوانی و میزان حشر و نشر ایشان با فروغی، اوضاع فرهنگی و سیاسی ایران به مدت شش ماه یعنی در سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ قمری شده است. مؤلف سپس به نقد بیرونی نسخه پرداخته و عنوان می‌کند این دفتر به قطع خشتی و برای کارهای محاسباتی، خط‌کشی شده و چاپ اروپا یا هندوستان است. نوشته‌ها ۱۱۰ صفحه و به خط فروغی است. فروغی در کنار صفحات، مطالبی از وضع هوا، حال مزاجی خود، و غذاها و دخل و خرج روزانه را نوشته است.

در ادامه‌ی سرآورد مطالبی راجع به زندگی خانوادگی و سیاسی محمدعلی فروغی آورده شده و در مورد زندگی فرهنگی و سیاسی او ذکر شده که سه بار نخست‌وزیر شد؛ یک بار در جریان تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی، بار دیگر در میانه‌ی حکومت رضاشاه، و بار سوم در واقعه‌ی سوم شهریور که برای حفظ آرامش کشور و ایجاد ثبات سیاسی در بحران اشغال نظامی، این پست را بر عهده گرفت. همچنین مؤلف اشاره می‌کند فروغی وقتی این مطالب را نوشت



ابوالحسن خان فروغی و پسرش؛ محمدعلی

خریدن کتاب اروپایی، از واجبات زندگی فروغی بوده است، از جمله در یادداشت‌های او در این مورد آمده است: «کتاب خریدن مرا خانه خراب کرده است، کتاب خوب بسیار است و نمی‌توان از آن‌ها دست برداشت، بضاعت هم به قدر کفایت نیست.»

فروغی

کاری مشترک با محمد قزوینی است، نام برده شده است. از دیگر کتاب‌های تألیفی او که در این یادداشت‌ها از آن نامی به میان آمده، تدوین لغت‌نامه‌ی فرانسه به فارسی است که با محمد صدیق حضرت‌مظاهر، همکار وی در مدرسه‌ی سیاسی به آن پرداخته و در همان مدرسه این کار انجام می‌شده است. (همان، صص ۱۰ و ۱۱)

«فرهنگ و مدرسه در یادداشت‌های فروغی» از دیگر مباحثی است که مؤلف به آن پرداخته است. فروغی نزد پدری با فرهنگ بالید و با آشنایی ژرف به تألیفات اروپایی و ورود به مباحث تاریخی، آشنایی زیادی در مباحث و مبانی فرهنگی پیدا کرد. در این یادداشت‌ها از مدرسه‌های آن زمان تهران سخن به میان آمده است که عبارتند از:

- ۱- مدرسه‌ی سیاسی که از سوی وزارت امور خارجه در زمان وزارت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله تأسیس شد و دو فرزند او، میرزا حسن‌خان مشیرالملک و میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک در این کار مؤثر بودند.
- ۲- مدرسه‌ی علمیه که مخبرالسلطنه هدایت مدتی مدیر آن‌جا بود و فروغی نیز در آن‌جا تدریس می‌کرد.
- ۳- مدرسه‌ی مظفری که فروغی در آن‌جا معلم بود.
- ۴- مدرسه‌ی خرد.



هتل فرنگی، خوردن نان شیرینی فرنگی و مهمان‌خانه‌ی فرنگی در یادداشت‌ها مطالبی می‌خوانیم. فروغی به همراه محمد قزوینی به تئاترهایی که از طرف فرنگی‌ها برگزار می‌شد می‌رفت. اصطلاح فرنگی در حدود پنجاه بار در یادداشت‌های او به کار رفته است.

خریدن کتاب توسط فروغی از دیگر مباحث مطرح شده در سرآورد است. مؤلف عنوان می‌کند خریدن کتاب اروپایی، از واجبات زندگی فروغی بوده است، از جمله در یادداشت‌های او در این مورد آمده است: «کتاب خریدن مرا خانه خراب کرده است، کتاب خوب بسیار است و نمی‌توان از آن‌ها دست برداشت، بضاعت هم به قدر کفایت نیست.» در جای دیگر عنوان می‌کند: «عمده مانع من از پول جمع کردن خرید کتاب است که در

من مرض است و نمی‌توانم جلو آن را بگیرم.» مؤلف در ادامه عنوان می‌کند: «رشته‌ای که فروغی از سنین جوانی به آن علاقه‌ی زیادی داشت، فلسفه (حکمت) بود اگرچه درس‌خوانی را در رشته طب شروع کرده بود و پس از آن به تاریخ و تدریس آن پرداخت.» در این یادداشت‌ها، موارد متعددی از علاقه‌ی فروغی به فلسفه آمده است. در این یادداشت‌ها، فروغی از حکمای غرب نظیر اسپینوز و فلاهاریون نام می‌برد.

زبان‌دانی و تألیفات فروغی از دیگر مباحث مطرح شده در مقدمه‌ی کتاب است. مؤلف اشاره می‌کند که فروغی در دوره‌ی تحصیل در دارالفنون، زبان‌های فرانسه و انگلیسی را یاد گرفته بود. فرانسه را استادانه می‌دانست و بر ترجمه مسلط بود و به گفته‌ی خود، در آن کار سرعت داشت. در مدرسه‌ی سیاسی درس ترجمه می‌داد و مقالات را برای روزنامه‌ی تربیت ترجمه می‌کرد. انگلیسی نیز می‌دانست و حتی تدریس خصوصی داشت. با خط روسی نیز آشنا بود. در مورد تألیفات او که در این یادداشت‌ها آمده، از کتاب تاریخ اسلام، تاریخ قرون وسطی، تاریخ روم و متنی برای فارسی‌خوانی (لکتور) که

در این یادداشت‌ها نام مدرسه‌های دیگری چون مدرسه‌ی آلیانس فرانسوی، مدرسه‌ی آمریکایی پروتستان‌ها، دارالفنون، رشديه، اسلام و ادب نیز آمده است. به شیوه‌ی مدیریت مدارس، اعتراضاتی که به این مدیران می‌شده و شیوه‌ی گرفتن امتحانات نیز اشاراتی شده است. (همان، صص ۱۰ و ۱۲)

«روزنامه‌ها و نقش فروغی در روزنامه‌نگاری» از دیگر مباحث این کتاب است. فروغی به پدرش در ترتیب مقالات و نشر روزنامه‌ی تربیت کمک می‌کرد. آن‌چه راجع به روزنامه‌ی تربیت نمی‌دانستیم، یکی آن است که شعاع‌السلطنه و ظلال‌السلطان از حمایت آن دریغ نداشته‌اند. هر گاه نظم انتشار روزنامه به هم می‌خورد، ذکاء‌الملک عصبانی می‌شد، توزیع روزنامه مشکلات داشت، ولی روزنامه جای خود را باز کرده بود و تعداد چاپ آن از یک سنگ که معمولاً برای هفتصد عدد مناسب است، گذشته بود و این تیراژ برای یک روزنامه در آن ایام، موجب امیدواری و شادمانی پدر و پسر بود. درباره‌ی روزنامه‌های دیگر هم اطلاعاتی در اختیارمان قرار می‌گیرد. مانند مشکلاتی که برای مدیر روزنامه‌ی مظفری (بوشهر) ایجاد شده بود، یا نحوه‌ی سانسور در عهد

عین الدوله. همچنین فروغی در این یادداشت‌ها، روزنامه‌ی ثریا را پوچ دانسته بود. (همان، ص ۱۲)

«معاشران و پاتوق‌های فروغی» از دیگر مباحثی است که در یادداشت‌های فروغی نمود دارد. معاشران فروغی عبارت بودند از:

(۱) خویشان پدری و همسر او.

(۲) همکاران مدرسه‌ها که با برخی از آن‌ها انس داشت مانند صدیق حضرت، محقق الدوله و ناظم‌العلوم.

(۳) نسبت به کمال‌الملک نهایت احترام را داشت. بسیاری از روزها به حجره‌ی آقا شیخ‌حسن که کتاب فروشی بود سر می‌زد. آن‌جا آقا شیخ‌محمد (بعدها میرزا محمدخان قزوینی)، معتمدالممالک، و میرزا صادق‌خان می‌آمدند و مجلس صحبت‌شان گرم بود. فروغی همچنین با سعیدالاطباء که از خویشانش بود، هم‌روزه دیدار داشت.

روابط فروغی و محمد قزوینی از دیگر مواردی است که مؤلف از یادداشت‌های فروغی استخراج کرده است. قزوینی بهترین معاصر ادبی و ذوقی فروغی بود. به همین دلیل، اطلاعات مفیدی نیز در مورد جوانی قزوینی در این یادداشت‌ها آمده است از جمله:

(۱) ذکاءالملک برای آن‌چه قزوینی ترجمه می‌کرد که در تربیت چاپ شود حق‌الزحمه به او می‌داد.

(۲) درباره‌ی ترجمه‌های او می‌نویسد: کتاب تمدن اسلامی را هم که آقا شیخ‌محمد باید ترجمه کرده و در روزنامه نوشته شود به او دادم. او هم قدری از ترجمه همان کتاب را به من داد.

گنجینه‌ی اطلاعات فرهنگی از دیگر مباحثی است که مؤلف در مقدمه به آن پرداخته است و منظورش اطلاعات فرهنگی است که در این یادداشت‌ها به صورت جسته و گریخته آمده است. بخشی از این اطلاعات عبارتند از:

(۱) تغییر خط که فروغی قاطعانه گفته است تغییر دادن خط فارسی کار صحیحی نیست.

(۲) تصور می‌شود نخستین جایی که صحبت از مطلع ساختن ایرانیان بر سابقه‌ی تحقیقات مربوط بر شرق توسط مستشرقان شده، یادداشت‌های فروغی است که هنیک فرانسوی در مدرسه‌ی آلیانس، ضمن نطقی حضار را بر آن موضوع آگاه ساخته است.

(۳) اطلاعاتی که در مورد چاپخانه‌ی بلژیکی و چاپخانه‌ی ثریا و دانش‌آموختگی عبدالله میرزا قاجار در آن رشته در این یادداشت‌ها مسطور است، همه تازگی دارد و همچنین اشاره‌ای که به شرکت مطبوعات شده است.

مؤلف در ادامه‌ی بحث عنوان می‌کند که چون نوشتن این یادداشت‌ها هم‌زمان با وقوع جنگ روس و ژاپن بود، فروغی تا حدی که از جراید و اخبار تلگرافی مطلبی درباره‌ی آن واقعه کسب می‌کرد، آن را در دفتر خود درج کرده است. عقیده‌ی شخصی فروغی را درباره‌ی این جنگ می‌توان از صحبتی دریافت کرد که به مناسبت پرسش برادرش که پرسیده بود نتیجه‌ی این جنگ در صورت فتح یا شکست روس چه خواهد شد، به او گفته بود: «هیچ. هر دو بد است اگر روس غلبه کند قدرت‌ش بیش‌تر می‌شود و در ضمن ما مقهورتر می‌شویم. اگر مغلوب شود چون پیشرفت‌ش در شرق اقصی متوقف می‌شود احتمال دارد شرق متوسط یعنی ایران و افغانستان را بیش‌تر مطمع نظر قرار دهد که از این‌جا به دریای محیط برسد. بنابراین برای خودمان اگر آدم نباشیم و نتوانیم از خود نگهداری کنیم، عاقبت این جنگ در هر حال برای ما بد است.»

یادداشت‌های روزانه، بعد از سرآورد شروع می‌شود. در بالای این یادداشت‌ها، تاریخ یادداشت‌ها به صورت روز، ماه و سال‌های قمری و میلادی آمده است که چون این یادداشت‌ها حاوی مباحثی مربوط به تاریخ جهان است، به خواننده در فهم تسلسل تاریخی کمک می‌کند. برای مثال، تاریخ‌های جنگ روس و ژاپن به قمری و میلادی و حوادثی از این قبیل، خواننده را در تاریخ تطبیقی یاری می‌دهد.

در آغاز هر یک از یادداشت‌ها، فروغی اطلاعاتی از هواشناسی، میزان دخل و خرج و غذاهایی که مصرف می‌کرده می‌دهد که از نظر تاریخ هواشناسی و تاریخ اقتصادی حائز اهمیت است. بیش‌تر یادداشت‌ها نیز چون نویسنده‌ی این مکتوبات، یک شخصیت فرهنگی بوده، حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی از تاریخ فرهنگی ایران در دوره‌ی قبل از مشروطه است. در بیش‌تر صفحات این یادداشت‌ها، اسمی از مدرسه، چاپخانه، علما و رجال، تمدن فرنگی، ترجمه‌ی کتاب، امتیازات معلمین، مطالعه‌ی فلسفه، تاریخ‌نگاری، شعر، مجلس معارف، روزنامه خواندن، نقشه برای روزنامه، تدریس فقه، تقویم یومیه، مدیریت مدارس و نقاشی به چشم می‌خورد که در کم‌تر منبع دست اولی می‌توانیم این اطلاعات را پیدا کنیم.

در مورد تاریخ اقتصادی دوران مشروطه نیز فروغی از ولخرجی‌های مظفرالدین شاه، احکام اضافه‌ی مواجب، اصلاح مالیات، صندوق مظفوری، ماهانه‌ی مجلس معارف، میزان قرض ایران، دستمزد معلمین، اضافه‌ی عمل گمرک، قیمت و خرج روزنامه، زیاد شدن ماهانه، اصلاح مالیه، برات، میزان مواجب نایب فرارخانه و اغتشاش بازارها سخن به میان آورده که نشانگر گوشه‌ای از تاریخ اقتصادی ایران قبل از مشروطیت و سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطیت است و این یادداشت‌ها از این نظر نیز ذی‌قیمت هستند.

در این یادداشت‌ها در مورد ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و رجال درباری نیز مطالبی به شیوه‌ی انتقادآمیز آورده شده است. نویسنده از محمدعلی‌شاه دل خوشی ندارد و از بحثی تحت عنوان شیطنت ولیعهد سخن به میان می‌آورد (ص ۲۱۶) و همچنین از پرخوری ناصرالدین شاه و مناسبات ناصرالدین شاه و عزیزالسلطان سخن به میان آمده (ص ۴۹) که در نوع خود جالب توجه است. اوضاع جهانی و فضای بین‌المللی و به ویژه جنگ روسیه و ژاپن در سال ۱۹۰۵ از نگاه ایرانی‌ها و تاثیر آن بر جامعه‌ی ایرانی، از مهم‌ترین مباحث این یادداشت‌هاست به عنوان یک منبع دست‌اول، حائز اهمیت است و از نکات قوت این کتاب به شمار می‌رود.

از دیگر مواردی که می‌شود از آن به عنوان دلیل اهمیت این کتاب نام برد، بحث در مورد تاریخ اجتماعی ایران در سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطه است. فروغی درباره‌ی مواردی چون مجلس جوانان فرنگ، مستوری زن‌ها، باج‌گیری، دزدی، غارتگری، نذر پختن، شیوع دروغ، بیماری وبا و ابله‌کوبی که از مباحث تاریخ اجتماعی است، مطالبی نوشته است.

از دیگر نکات قوت کتاب می‌توان به نثر نوشتاری کتاب اشاره کرد که فروغی با قلم گیرا و توانای خود این یادداشت‌ها را نوشته است و مخاطب با خواندن چند صفحه، به مطالعه‌ی بیش‌تر ترغیب می‌شود.

سرآورد کتاب نیز که راهنمای خواننده در سراسر کتاب است و مؤلف با دقت و تیزبینی ویژه‌ای در آن قلم‌فرسایی کرده، از بخش‌های مهم کتاب است و نشان از احاطه‌ی مؤلف بر فضای نوشتاری یادداشت‌ها دارد و در مطالعه‌ی بهتر کتاب و فهم بیش‌تر مطالب، کمک شایانی می‌کند.